



بررسی ضرورت افشاء وجود قرارداد تأمین مالی داوری بین‌المللی توسط شخص ثالث و لزوم صیانت از افشاء سایر اطلاعات
محمد مهدی اسدی

کیفیات مشدده جرم در حقوق کیفری ایران

محمد کمالی، محمدباقر بصیر

مبانی حقوق طبیعی جان لاک و تاثیر آن در کنوانسیون حقوق کودک

محمد مهدی داور، سعیده تسلیمی

قضازدایی؛ نگرشی برای پیشگیری از پایداری بزهکاری نوجوانان

محمد جوان‌بخت، پریسا کریمی، محدثه صادقیان لمراسکی

بررسی مفهوم دارنده سند تجارتي

سارا فرزادی مهر، شاپور محمدحسینی، محمدرضا حقیقی

تأثیر سبک زندگی اسلامی در پیشگیری از جرایم یقه سفیدها: بررسی فقهی و حقوقی

مریم کمائی، زهرا انصاری فر، پیتر گاتسچالک

روش‌های حل و فصل اختلافات در قراردادهای فیدیک

آرمان یعقوبی مقدم، محمد غلام پور ویشکائی، محمد یارارشدی

واکاوی سیر تکوینی پدیده مجرمانه نسل‌کشی در بستر تاریخی

محمد جوان‌بخت، مینو محمدی، کیومرث کلانتری درونکلا

نقش قاضی اجرای احکام کیفری در بازدارندگی و فردی کردن مجازات

زهرا نظری

نقد و ارزیابی مسئولیت‌مدیران در قبال بدهی‌های مالیاتی شرکت بر اساس لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت و قانون مالیات‌های مستقیم

نیما رضائی، محمد شجاعی فر، امیرحسن ابوالحسنی

جرایم مالیاتی با دیدگاه کیفر شناختی در حقوق ایران

سیده فائزه فاطمی

مرجع صالح و عنوان خواسته در دعاوی ملی شدن اراضی

مسلم اله یاری

چالش‌های اجرایی دفاتر حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان با محوریت نقش دادیار

سید مهدی احمدی، نسترن ارزانیان

مسئولیت زیست محیطی شرکت‌های چندملیتی در صنعت نفت با تأکید بر اصل «پرداخت آلوده‌ساز»

هادی مسعودی فر، فاطمه نعیمی شامل

تأثیر عدالت ترمیمی و سیاست جنایی بر بزه‌دیدگی جنسی اطفال (از حمایت تا بازپروری)

سید حسین دهقان نیری، مریم مسافری

حق تعیین سرنوشت به مثابه یکی از حقوق بنیادین بشر در خصوص اشخاص تراجنسیتی (با تأکید بر دادنامه صادره از شعبه

سیزدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران)

محمدسعید حسینی، حشمت رستمی درونکلا، محمد مهدی ساکی، فاطمه دهقان، عباس رضایی گیلانی

حمایت از حقوق فرهنگی زندانیان در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و نظام حقوقی ایران

مرجان نگهی مخلص آبادی

تحلیل نظام حقوق مالیاتی حاکم بر شرکت‌های تجاری

پریسا رضوان، علی زارع

کرامت انسانی در حقوق کیفری و اسناد بین‌المللی

محمدامین ابراهیمی

نقش اموال تملیکی دولت در پیشبرد اهداف اقتصادی: تحلیل قوانین و بررسی موانع و راهکارها

الهام درکی، آپدا مخترع، بهنام رستگاری

موضوعیت و ادله اثبات جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

صادق بنی طرفیان حویبزاوی

سیاست کیفری افتراقی قانون نیروهای مسلح در قبال فروش اموال و اشیای نظامی

یاسر شاکری



Criticism and Assessment of Managers' Responsibility for the Company's Tax Liabilities Based on the Legal Bill to Amend a Part of the Commercial Law and the Direct Taxes Law

Nima Rezaei

Master's student in private law, Tabnak University, Lamard, Iran

Mohammad Shajaei Far

PhD student in private law, Islamic Azad University, Najaf Abad Branch, Najaf Abad, Iran

Amirhasan Abolhasani

Ph. D. in criminal law and criminology, lecturer at Tabnak University, Lamerd, Iran

نقد و ارزیابی مسئولیت مدیران در قبال بدهی‌های مالیاتی شرکت بر اساس لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت و قانون مالیات‌های مستقیم

نیما رزائی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تابناک، لامرد، ایران
nima_rezaei90@yahoo.com

محمد شجاعی فر

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران

shjay0477@gmail.com

امیرحسین ابوالحسنی

دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه تابناک، لامرد، ایران
a.abolhasani18@yahoo.com

Abstract

The CEO and members of the board of directors of legal entities, including companies subject to the Commercial Law, in the Direct Taxes Law of 1985, have tax responsibilities and duties that have been determined during their tenure. Currently, tax is considered as one of the government's sources of income, which in the law of direct taxes considers Iranian legal entities subject to income tax for all the income they earn. Therefore, the main goal of this research is to investigate and evaluate the responsibility of the managers of commercial companies for tax liabilities according to the amendment bill and the law of direct taxes, which was done using the descriptive-analytical method. The findings of this research show that according to Articles 125 and 128 of the law amending a part of the trade law and 198 and 202 of the law on direct taxes, managers of legal entities pay income tax, value added tax and other taxes that legal entities They are obliged to deduct and collect or pay it collectively or individually together with the responsible legal entity.

Keywords: Joint-Stock Companies, Directors' Responsibility, Direct Taxes.

چکیده

مدیرعامل و اعضای هیات مدیره اشخاص حقوقی از جمله شرکت‌های موضوع قانون تجارت، در قانون ۱۹۸ مالیات‌های مستقیم دارای مسئولیت‌ها و وظایف مالیاتی می‌باشند که در دوره تصدی آن‌ها قطعی شده باشد. در حال حاضر، مالیات به عنوان یکی از منابع درآمد دولت به شمار می‌آید که در قانون مالیات‌های مستقیم اشخاص حقوقی ایرانی را نسبت به کلیه درآمدهایی که تحصیل می‌نمایند مشمول پرداخت مالیات بر درآمد می‌داند. لذا هدف اصلی این پژوهش، بررسی و ارزیابی مسئولیت مدیران شرکت‌های تجاری در قبال بدهی‌های مالیاتی طبق لایحه اصلاحی و قانون مالیات‌های مستقیم است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برابر ماده‌های ۱۲۵ و ۱۲۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت و ۱۹۸ و ۲۰۲ قانون مالیات‌های مستقیم، مدیران اشخاص حقوقی در پرداخت مالیات بر درآمد، مالیات بر ارزش افزوده و سایر مالیات‌هایی که اشخاص حقوقی مکلف به کسر و وصول یا ایصال آن می‌باشند به صورت جمعی یا فردی همراه با شخص حقوقی مسئول هستند.

واژگان کلیدی: شرکت‌های سهامی، مسئولیت

مدیران، مالیات‌های مستقیم.

ارجاع:

رضائی، نیما؛ شجاعی فر، محمد؛ ابوالحسنی، امیرحسن؛ (۱۴۰۲)، نقد و ارزیابی مسئولیت مدیران در قبال بدهی‌های مالیاتی شرکت بر اساس لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت و قانون مالیات‌های مستقیم، تمدن حقوقی، شماره ۱۷.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY NC SA



مقدمه

تشکیل شرکت به شکل امروزی و توسعه و پیشرفت روزافزون جوامع از نظر اقتصادی و تجاری میان شرکت‌ها، سهامداران را بر آن داشته که جهت هرچه بهتر اداره نمودن شرکت و در نتیجه رسیدن به سوددهی بیشتر اشخاصی را به سمت هیات مدیره که معمولاً از میان سهامداران عمده هستند انتخاب نمایند. با وضع قوانین و مقررات در جهت حفظ منافع جامعه که مالیات نیز یکی از آن موارد است ضرورت دارد دقت لازم در خصوص انتخاب مدیران از میان افراد کارآزموده و کارا که اشراف کامل به قوانین و مسئولیت خود در قبال شرکت و شرکا داشته باشند، صورت پذیرد و همچنین تعهد اخلاقی نسبت به جامعه داشته باشند تا بتوانند با اداره صحیح شرکت هم منافع شرکت‌ها را تأمین نموده و هم با اعمال مدیریت مناسب در جهت اهداف جامعه تأثیرگذار باشند. به واسطه این امر اختیارات هیات مدیره برای آن که کامل باشد نباید جنبه کلی داشته باشد، بلکه برخی از اختیارات احتیاج به تصریح دارد (ستوده تهرانی، ۱۳۸۷، ۱۹۷).

در این پژوهش به بررسی رابطه حقوقی مدیران با شرکت و حدود اختیارات و مسئولیت‌های آن‌ها در قبال بدهی‌های شرکت، به موضوع مالیات و حدود وظایف مدیران در قبال پرداخت آن براساس لایحه اصلاحی قانون تجارت و همچنین قانون مالیات‌های مستقیم می‌پردازیم.

۱- مفاهیم

۱-۱- مفهوم مدیران

قانون‌گذار در ماده ۱۰۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ به این که مدیران شرکت توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند و نیز ماده‌های ۱۰۹، ۱۱۲ و ۱۱۴ عبارت مدیران را بدون نیاز به هیچ قرینه‌ای برای توصیف هیات مدیره به کار برده است. ممکن است گفته شود که ذکر عنوان مدیران برای هیات مدیره در ماده‌های قانونی مورد اشاره، به دلیل آن که مقررات مزبور در بخش ناظر به هیات مدیره قرار داشته، امری طبیعی است. در پاسخ به این استدلال باید گفت که در مقررات دیگر مندرج در لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ اشارات روشنی به رد استدلال اخیر و تأیید این نگرش که در این لایحه قانونی، مدیرعامل مصداق مدیران مورد نظر قانون‌گذار نیستند، وجود دارد. برای نمونه، ماده ۱۳۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ مقرر داشته: مدیران و مدیرعامل نمی‌توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت انجام دهند. یا ماده ۱۳۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ با ذکر این که کلیه اعمال و اقدامات مدیران و مدیرعامل شرکت در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نیز در ماده‌های ۱۴۲ و ۱۴۳ قانون یاد شده با عباراتی مشابه، تفکیک آشکاری میان این دو مفهوم به چشم می‌خورد (پاسبان، ۱۳۹۳، ۸۵).

۱-۲- مفهوم مدیرعامل

در تحلیل مفهوم مدیریت و تعریف واژه مدیر، ملاحظه گردید که قانون‌گذار در هیچ مقرره‌ای از ماده‌های لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷، مدیرعامل را در زمره مدیران به شمار نیاورده و همه جا مدیران را در معنای برابر با هیات مدیره به کار برده است. به همین جهت، در حالی که مدیرعامل را باید از عناصر مهم نهاد اداره شرکت سهامی تلقی نمود، به اعتبار کارگزاری و عاملیت هیات مدیره تنها مقامی تفویضی و نه اصیل است. حدود اختیار، حق الزحمه و مدت مأموریت مدیرعامل به وسیله هیات مدیره تعیین می‌گردد. مدیرعامل شرکت را نمی‌توان از میان اشخاصی که مشمول ماده ۱۱۱ لایحه اصلاحی قانون ۱۳۴۷ هستند انتخاب کرد، در غیر این صورت دادگاه به تقاضای هر ذینفعی حکم عزل او را صادر خواهد کرد.

۱-۳- مفهوم مالیات

در اصطلاح علم اقتصاد، مالیات عبارت است از بخشی از درآمد، ثروت، فروش و یا بخشی از هر نوع پایه

حقوقی دیگر که توسط دولت از اشخاص حقیقی و حقوقی اخذ می‌شود (دادگر، ۱۳۸۶، ۳۵۳). به مثابه یک نوع هزینه اجتماعی است که آحاد یک ملت در راستای بهره‌وری از امکانات و منابع یک کشور موظفند آن را پرداخت نمایند تا توانایی‌های جایگزینی این امکانات و منابع فراهم شود. مالیات در واقع انتقال بخشی از درآمدهای جامعه به دولت یا بخشی از سود فعالیت‌های اقتصادی است که نصیب دولت می‌گردد زیرا ابزار و امکانات دستیابی به درآمد و سودها را دولت فراهم ساخته است.

۲- مسئولیت مدیران شرکت بر اساس لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷

قانون‌گذار در ماده ۵۱ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ به تبعیت از قانون تجارت فرانسه مصوب ۱۸۶۷ میلادی مدیران شرکت‌های سهامی را وکیل شرکت تلقی کرده بود که این راه حل درستی نبود، چون مدیران وکیل شرکت‌اند نه شرکاء. اما در لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ این راه حل را رها کرده و برای مدیران که به صورت هیاتی عمل می‌کنند به عنوان رکنی از ارکان شرکت سهامی، صلاحیت‌ها و اختیاراتی را پیش‌بینی نموده است که از حدود صلاحیت وکیل در مقابل موکل فراتر می‌رود (اسکینی، ۱۳۸۹، ۱۸۶).

۳- مسئولیت مدنی مدیران و مدیرعامل در قبال بدهی شرکت بر اساس لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷

مسئولیت مدیران و مدیرعامل شرکت، مسئولیتی مبتنی بر خطا است. بنابراین برای آن که مدیر یا مدیرعامل مسئول تلقی شوند باید هنگام انجام دادن وظایف خود مرتکب خطا شده باشند و این خطا موجب ضرر شده باشد (اسکینی، ۱۳۸۹، ۲۰۹). مسئولیت‌های مدنی مدیران و مدیرعامل بر دو نوع، مسئولیت عادی و مسئولیت تضامنی است که این مسئولیت‌ها را بررسی می‌کنیم.

۳-۱- مسئولیت عادی

از موارد ذکر شده در ماده ۱۴۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ می‌توان نتیجه گرفت که اداره بد شرکت موجب مسئولیت مدیران یا مدیرعامل است. در تمام موارد ذکر شده مسئولیت مدیران یا مدیرعامل یا انفرادی است یا اشتراکی، لفظ اشتراکی در مقابل تضامنی قرار می‌گیرد. در مسئولیت اشتراکی دادگاه سهم هر کدام از مدیران و مدیرعامل را که با هم مرتکب تخلف شده‌اند در

ورود خسارت و جبران آن معین می‌کند و هر کدام از آنان به پرداخت قسمتی از خسارت محکوم می‌شوند، در حالی که در مسئولیت تضامنی هر کدام از متخلفان به پرداخت تمام خسارت محکوم می‌شوند که این مسئولیت مربوط به موردی است که تخلف موجب ورشکستگی قبل از انحلال یا عدم پرداخت بدهی بعد از انحلال شده باشد (اسکینی، ۱۳۸۹، ۲۱۰).

۳-۲- مسئولیت تضامنی

ماده ۱۴۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، در این ارتباط قابل توجه و مهم به نظر می‌رسد، اگرچه این ماده به مسئولیت مدیران، منتهی به توقف شرکت و با اعلام توقف آن پس از انحلال شرکت اشاره می‌کند، لکن در نوع خود نقطه عطفی در قانون‌گذاری به شمار می‌رود. به هر حال، اعمال این ماده مستلزم شرایط چندی است: نخست آن که شرکت باید ورشکسته باشد و یا پس از انحلال معلوم شود که دارایی آن کافی برای تادیه دیون اش نیست، به عبارت دیگر معلوم شود که متوقف است. دوم آن که، ورود مقام قضایی به قضیه تنها با درخواست هر ذینفع امکان پذیر است. زیرا که مورد از موارد دخالت مدعی العموم نیست، به ویژه آن که مورد از وصف کیفری برخوردار نیست. سوم، مدیرانی که ورشکستگی شرکت یا عدم تکافوی دارایی آن برای پرداخت دیون ناشی از تخلفات آنان بوده است منفردا یا متضامنا (حسب مورد) مسئول پرداخت دیون هستند. چهارم آن که، این مسئولیت تا میزان دیونی که به علت کسر دارایی غیرقابل پرداخت است، خواهد بود. در حقیقت در اینجا رابطه‌ای میان میزان خسارتی که مدیران با تخلف خود وارد نموده‌اند و میزان بدهی که به علت عدم امکان پرداخت بر آنان تحمیل می‌گردد، وجود ندارد. این حکم در عین حال که خلاف قاعده بوده، در نوع خود مقررهای مترقی به نظر می‌رسد. علاوه بر موارد فوق، مدیران شرکت بر مبنای قواعد کلی حقوقی اعم از حقوق مدنی، مسئولیت مدنی و یا حقوق تجارت نسبت به خساراتی که از عملکرد آنان ناشی می‌شود، مسئولیت مدنی دارند و ملزم به جبران زیان‌های وارده خواهند بود.

۴- اختیارات خاص هیات مدیره بر اساس لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷

قانون‌گذار در لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷، به طور صریح اختیارات خاصی را به هیات مدیره اعطاء کرده است که می‌توان آن‌ها را به شرح ذیل بیان نمود: انتخاب و عزل رییس و نائب رییس؛ دعوت مجامع عمومی؛ انتخاب مدیرعامل؛ هیات مدیره مکلف است اقلا یک نفر شخص حقیقی را برای

مدیرعاملی شرکت از میان خود یا خارج از اعضای هیات مدیره انتخاب کرده و حدود اختیارات و مدت مدیریت او را نباید از مدت عضویت او در هیات مدیره بیشتر باشد تعیین نماید. اجازه معاملات مندرج در ماده ۱۲۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷؛ گزارش وضع مالی شرکت و کسر اندوخته قانونی؛ دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده برای کاهش اجباری سرمایه؛ گزارش در مورد افزایش سرمایه؛ گزارش سالیانه.

۵- اختیارات عام مدیران در اداره شرکت بر اساس لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷

آنچه مسلم است لفظ اداره به معنی اداره امور داخلی شرکت است و ارتباط شرکت با اشخاص ثالث فقط از طریق مدیرعامل امکان پذیر است، به عبارت دیگر هیات مدیره تصمیم می‌گیرد و مدیرعامل عمل می‌کند. اما حدود حق اداره کردن امور شرکت چیست؟ پاسخ این سوال در ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ آمده است: جز در باره موضوعاتی که به موجب این قانون اقدام و تصمیم‌گیری درخصوص آن‌ها در صلاحیت مجمع عمومی می‌باشد اداره امور شرکت‌ها به صورت تام در اختیار مدیران شرکت‌ها می‌باشد. مشروط به این که این اقدامات و تصمیم‌گیری‌ها در حدود موضوع و فعالیت شرکت باشد و محدود کردن مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجمع عمومی فقط از لحاظ روابط مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است (اسکینی، ۱۳۸۹، ۱۸۸). بدین ترتیب اختیارات کلی هیات مدیره جهت اداره امور شرکت به صورت تام می‌باشد.

۶- وظایف و اختیارات مدیرعامل شرکت سهامی بر اساس لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷

در حقوق ایران مدیرعامل فاقد اختیار قانونی است و اختیارات آن را هیات مدیره معین می‌کند. با توجه به آن که قانون‌گذار، هیئت مدیره را مرجع صلاحیتدار برای تعیین حدود اختیار مدیرعامل ساخته، تحلیل چهارچوب اختیارات مدیرعامل به‌ویژه در مقایسه با اختیارات هیئت مدیره، شایان تأمل می‌نماید.

پاسخ به این پرسش که موقعیت حقوقی مدیرعامل در شرکت و به خصوص در برابر هیئت مدیره چیست؟، به روشن شدن موضوع کمک می‌رساند. ممکن است وکالت و نمایندگی چهارچوب مناسبی برای جایگاه مدیرعامل تعریف گردد. معذک، برخلاف عقد وکالت که بدون تصریح به حدود

اختیارات، وکیل مجاز به انجام برخی امور در معنای عرفی آن است، در مورد مدیرعامل به نظر می‌رسد اصل بر عدم دارا بودن هرگونه اختیار به جز موارد مصرحه در صورتجلسه انتخاب وی است. چراکه در ماده ۱۲۵ لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ مدیرعامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیئت مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضاء دارد.

با تجزیه و تحلیلی که از جایگاه حقوقی مدیرعامل به عمل آمد، مرز میان تکالیف و اختیارات وی کم رنگ‌تر از چهارچوب تعریف شده اختیارات و تکالیف هیئت مدیره است. در حالی که موارد چندی از وظایف هیئت مدیره به صراحت در مقررات پراکنده لایحه اصلاحی قانون تجارت ۱۳۴۷ قابل تشخیص است، این وضعیت در مورد مدیرعامل شرکت به چشم نمی‌خورد. به دیگر سخن، در مقررات مذکور نمی‌توان به مقرر خاصه که تکلیف مدیرعامل به شمار می‌آید، اشاره نمود. این سکوت و خلأ ظاهری قابل درک است. چراکه تکالیف و اختیارات مدیرعامل را بایستی تنها در چهارچوب صورتجلسه انتخاب و محدود به اختیارات تفویضی و وظایف تعیین شده در آن صورتجلسه جستجو نمود.

آیا منظور از مدیران شرکت در ماده ۱۱۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ فقط شامل مدیران می‌باشد یا شامل مدیرعامل هم می‌باشد؟ به نظر استاد دکتر محمود عرفانی مدیران شرکت اعم از هیات مدیره و مدیرعامل شرکت می‌باشند. چراکه مدیرعامل شرکت بالاترین مرجع اداری و اجرایی شرکت می‌باشد لذا دارای اختیارات تام می‌باشد و این اشکال قانون‌گذار و نقد ماده ۱۱۸ می‌باشد که مدیران و مدیرعامل را کنار هم نیاورده. ولیکن در همین راستا بسیاری از دکترین از جمله دکتر پاسبان و دکتر اسکینی اعتقاد دارند، در این ماده منظور از مدیران شرکت صرفاً هیات مدیره می‌باشد چراکه مدیران شرکت توسط مجمع عمومی با اکثریت نسبی سهامداران و از بین سهامداران شرکت تعیین می‌شوند و دواماً عزل آن‌ها توسط مجمع عمومی می‌باشد و باید با توجیه قانونی عزل شوند و اختیارات آن‌ها جهت اداره امور شرکت طبق ماده ۱۱۸ نامحدود است. درحالی که نصب مدیرعامل توسط هیات مدیره است و هیات مدیره هر وقت بخواهد می‌تواند مدیرعامل را عزل نمایند و همچنین اختیارات مدیرعامل با توجه به ماده ۱۲۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ توسط هیات مدیره به وی تفویض می‌شود. در نتیجه براساس ماده ۱۱۸ اصل بر اختیارات مدیران می‌باشد. در حالی که براساس ماده ۱۲۶ اصل بر عدم اختیارات مدیرعامل می‌باشد و همچنین براساس ماده‌های ۱۳۱، ۱۴۲ و ۱۴۳ به صراحت مدیرعامل را از مدیران شرکت تفکیک نموده است. براساس ماده ۱۲۵ لایحه قانونی اصلاح

قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ مدیرعامل شرکت سهامی که منتخب هیات مدیره می‌باشد در حدود اختیاراتی که توسط هیات مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب می‌شود و از طرف شرکت حق امضاء دارد. لذا اصل بر عدم اختیارات مدیرعامل در شرکت‌های سهامی می‌باشد (دمیرچیلی و همکاران، ۱۴۰۲، ۱۳۲).

۷- وظایف مالیاتی برای مدیران شرکت‌ها در قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶

مدیرعامل و اعضای هیات مدیره اشخاص حقوقی از جمله شرکت‌های موضوع قانون تجارت، در قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ و به‌ویژه در آخرین اصلاحیه آن که در ۱۳۹۵ تصویب گردیده است دارای مسئولیت‌ها و وظایف مالیاتی شناخته شده‌اند.

شرکت‌ها نسبت به اموال، املاک و درآمدهای خود در ایران، مشمول مالیات هستند و مسئول پرداخت مالیات‌های متعلقه با مدیرعامل و اعضای هیات مدیره شرکت است. شرکت‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن‌ها به اشخاص دارای معافیت مالیاتی، تعلق دارد نسبت به سهم درآمد و سود خود مشمول معافیت مالیاتی نمی‌باشند و باید مالیات پردازند. بنابراین مدیرعامل و اعضای هیات مدیره این گونه از شرکت‌ها نباید به اعتبار معافیت مالیاتی سهامداران خود تصور کنند که از تکالیف مالیاتی و از جمله پرداخت مالیات، معاف هستند. مدیرعامل و اعضای هیات مدیره شرکت‌ها، مجاز نیستند سود سهام و اموال سهامداران و شرکای متوفی شرکت را پیش از دریافت گواهی پرداخت مالیات بر ارث، به ورثه سهامدار یا شریک متوفی شرکت، تسلیم یا به نام آن‌ها معامله‌ای انجام نمایند.

سهام و سهم الشرکه کلیه شرکت‌های ایرانی (به استثنای شرکت‌های تعاونی) مشمول مالیاتی برابر با نیم در هزار ارزش اسمی می‌باشد که مدیران شرکت، به هنگام ثبت شرکت یا ثبت افزایش سرمایه شرکت، ناگزیر از پرداخت آن می‌باشند. درآمد شرکت‌های ایرانی ناشی از واگذاری عین یا سرقفلی املاک یا اجاره املاک، مشمول مالیات بر درآمد املاک می‌باشد که مدیران شرکت‌ها در هنگام نقل و انتقال سند یا وصول درآمد مکلف به پرداخت مالیات متعلقه می‌باشند. شرکت‌های ایرانی مکلف هستند به هنگام پرداخت حقوق به کارکنان خود نسبت به کسر مالیات بر حقوق آنان و واریز مالیات کسر شده به حساب سازمان امور مالیاتی، برابر نرخ‌های مقرر در قوانین مالیاتی اقدام نمایند و مدیران شرکت‌ها موظف به انجام این تکلیف قانونی می‌باشند.

شرکت‌های ایرانی مکلف هستند به هنگام پرداخت وجوه تحت عناوین زیر به اشخاص حقیقی غیر از کارکنان خود که مشمول پرداخت کسورات بازنشستگی یا بیمه نمی‌باشند نسبت به کسر مالیات متعلقه و

واریز مالیات کسر شده به حساب سازمان امور مالیاتی برابر نرخ‌های مقرر در قوانین مالیاتی اقدام نمایند و مدیران شرکت‌ها موظف به انجام این تکلیف قانونی می‌باشند. شرکت‌های ایرانی مکلف به پرداخت مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی برابر ضوابط و نرخ‌های معینه در مقررات مالیاتی ایران هستند و مدیران شرکت‌ها نسبت به عدم پرداخت مالیات‌هایی که در دوره مسئولیت آن‌ها ابلاغ و قطعی شده باشد مسئول هستند. شرکت‌های ایرانی نسبت به درآمدهای اتفاقی همانند پاداش و جایزه و... مکلف به پرداخت مالیات هستند و مدیران شرکت‌ها نسبت به عدم پرداخت این قبیل مالیات‌ها که در دوره مسئولیت آن‌ها ابلاغ و قطعی شده باشد مسئول هستند.

با رعایت ماده ۱۲۵ و نیز ماده ۱۲۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، مدیرعامل شرکت‌های سهامی را می‌توان در حدود اختیاراتی که در اساسنامه شرکت آمده و اختیاراتی که از سوی هیات مدیره به او تفویض شده است از مدیران شرکت سهامی و مشمول ماده‌های ۱۹۸ و ۲۰۲ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ به شمار آورد.

۸- مواردی که مدیران و مدیرعامل مشمول حکم ماده ۱۹۸ و ماده ۲۰۲ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ نمی‌باشند

اول- افرادی که به صورت اداری، غیرثبیتی و غیررسمی، اداره یک شخص حقوقی را انجام داده‌اند مدیر قانونی و رسمی به شمار نمی‌روند و مشمول حکم ماده ۱۹۸ و ماده ۲۰۲ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ نمی‌باشند.

دوم- مدیرانی که سمت آن‌ها از ابتدا مبتنی بر رعایت ترتیبات قانونی و ثبتی نبوده است یا از طریق مراجع ذیصلاح قانونی و قضایی، مستندات، شیوه و احکام مربوط به انتخاب آنان به عنوان مدیران شرکت، باطل شده باشد مشمول حکم ماده ۱۹۸ و ماده ۲۰۲ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ نمی‌باشند.

سوم- مدیر تصفیه، که در فرض انحلال شرکت، از سوی مجمع عمومی فوق‌العاده و در فرض ورشکستگی از سوی مرجع قضایی، تعیین می‌شود در دوران تصفیه همان مسئولیت‌هایی را دارد که هیات مدیره شرکت‌ها دارند.

چهارم- افرادی که برابر ماده ۱۱۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، به نمایندگی از اشخاص حقوقی، عضو هیات مدیره بوده‌اند مشمول حکم مواد ۱۹۸ و ۲۰۲ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ نمی‌شوند زیرا به وکالت از شخص حقوقی در هیات مدیره حضور دارند و نماینده منویات و خواسته‌های شخص حقوقی بوده و به جز مواردی که شخصاً مرتکب جرم و خطای مدنی شده

یا از منویات و دستورات شخص حقوقی سهامدار، عدول کرده باشند مسئولیتی نخواهند داشت. به ویژه این که اشخاص حقوقی سهامدار، معمولاً در جریان بررسی صورت‌های مالی و تصویب تراز سالیانه از تعهدات و وضعیت مالیاتی شرکت، وابسته به خود، آگاه شده و خودشان در مورد پرداخت یا عدم پرداخت آن، اتخاذ تصمیم کرده‌اند.

پنجم - از نظر مقررات مالیاتی و از جمله به موجب ماده ۲۰۶ و تبصره سوم ماده ۱۸۶ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ نیز مدیران شخص حقوقی، کسانی هستند که از طرف شخص حقوقی، دارای حق امضاء باشند و با توجه به ماده ۱۱۸ و ماده ۱۲۵ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، اعضای رسمی، ثبتی و قانونی هیئت مدیره و نیز مدیرعاملی که سمت او رسمی، ثبتی و قانونی باشد از طرف اشخاص حقوقی حق امضاء دارند. بنابراین همان گونه که نسبت به ابلاغ اوراق مالیاتی، قبول مالیات تشخیص داده شده، اعتراض به مالیات و تسلیم شکایات و دعاوی مالیاتی، صاحبان امضاء مجاز شخص حقوقی صلاحیت قانونی دارند. در مورد اعمال حکم ماده‌های ۱۹۸ و ۲۰۲ و تبصره سوم ماده ۱۸۶ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ نیز مدیران دارای سمت رسمی، ثبتی و قانونی نیز همین اوصاف، حاکم و ملاک عمل است.

ششم - ماده ۱۹۸ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ برای تخطی مدیران شرکت‌های دولتی از تکالیف و مسئولیت‌های مالیاتی خود، هیچ گونه مسئولیتی را منظور نکرده و به کلی، مدیران شرکت‌های دولتی را از حکم موضوع خود خارج ساخته است. درحقیقت، این ماده در حکمی عجیب، برای مدیران شرکت‌های دولتی جهت عدم انجام مسئولیت‌های مالیاتی خود تسهیلات، فراهم کرده و برای فرار مدیران شرکت‌های دولتی از مسئولیت‌های مالیاتی، بسترسازی کرده است.

هفتم - تبصره سوم ماده ۱۸۶ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶، به اداره امور مالیاتی این امکان را داده است که اسامی مدیران شرکت‌ها و مؤسسات دارای بدهی مالیاتی را به اداره ثبت شرکت‌ها اعلام نماید تا اداره ثبت شرکت‌ها از ثبت شرکت یا ثبت عضویت آنان در هیات مدیره شرکت‌ها و مؤسسات، پیش از اخذ مفصاحساب مالیاتی یا پیش از تعیین تکلیف مالیات، خودداری نماید. درحقیقت، تبصره سوم ماده ۱۸۶ قانون مالیات‌های مستقیم نیز به گونه‌ای دیگر، مصداق عینی و قانونی مدیر و عضو هیات مدیره در شرکت‌ها و مؤسسات را اشخاصی می‌داند که عضویت آن‌ها در هیات مدیره شرکت یا مؤسسه، سابقاً به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی کشور آگهی شده باشد. بنابراین اداره امور مالیاتی نمی‌تواند شخصی که عضویت او در هیات مدیره شرکت یا مؤسسه در اداره ثبت شرکت‌ها به ثبت نرسیده و به لحاظ قانونی و رسمی دارای سمت، نشده است را مشمول تبصره سوم ماده ۱۸۶ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ تلقی نماید و مانع ثبت شرکت یا ثبت عضویت آنان در هیات مدیره شرکت‌ها و مؤسسات شود.

۹- معافیت مالیاتی اشخاص حقوقی هیات‌مدیره در قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶

در قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ نمایندگان این دسته از اعضاء هیات‌مدیره از شمول مسئولیت پرداخت مالیات معوقه خارج شده‌اند.

در مواردی قانون‌گذار به‌طور استثنائی مدیران را مسئول اجرای تعهدات قراردادی دانسته است: طبق ماده ۱۴۳ لایحه قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ امکان مراجعه به مدیرانی که به‌واسطه تقصیر آن‌ها شرکت ورشکسته یا متوقف شده است وجود دارد. مشروط بر این که تقصیر این مدیران در ورشکستگی یا توقف شرکت سهامی اثبات گردد. در غیر این صورت، امکان مراجعه نیست. از مجموع مقررات مربوط به تعهدات قراردادی اشخاص حقوقی معلوم می‌شود که مدیران و نمایندگان مدیران علی‌القاعده مسئولیتی در قبال این تعهدات ندارند مگر این که نص صریح قانونی وجود داشته باشد.

۱۰- مسئولیت مدیران و نمایندگان شخص حقوقی که به عنوان عضو هیات‌مدیره شخص حقوقی انتخاب می‌شوند در قبال مالیات معوقه

اول- تعهدات مالیاتی اعضاء هیات‌مدیره و مدیرعامل اشخاص حقوقی: طبق ماده ۱۹۸ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ فقط مدیران اشخاص حقوقی در کنار خود اشخاص حقوقی غیردولتی به صورت تضامنی مسئول پرداخت مالیات معوقه شناخته شده‌اند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این ماده ذکری از نمایندگان اشخاص حقوقی که عضو هیات‌مدیره شخص حقوقی دیگر هستند نشده است و صرفاً به مدیران اشخاص حقوقی غیردولتی تصریح شده است. بدیهی است وقتی که در قانون از مسئولیت تضامنی بدون ذکر نوع مسئولیت تضامنی نام برده می‌شود منظور مسئولیت تضامنی عرضی است. ماده ۱۹۸ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ به چشم می‌خورد مسئولیت تضامنی مدیران اشخاص حقوقی (اعضای هیات‌مدیره و مدیرعامل) است و در این قانون از نمایندگان اشخاص حقوقی که به‌عنوان عضو هیات‌مدیره انتخاب شده‌اند ذکری نیامده است. معلوم می‌گردد که مفاد آن شامل تمام اشخاص حقوقی غیردولتی (من جمله شرکت‌های تجاری) می‌شود. بنابراین با وجود این ماده قانونی صریح، درخصوص مسئولیت مدیران کلیه اشخاص حقوقی غیردولتی نسبت به پرداخت مالیات معوقه هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد. تردید صرفاً درخصوص نمایندگان اشخاص حقیقی که به سمت عضو هیات‌مدیره انتخاب شده‌اند است.

دوم- نمایندگان اشخاص حقوقی که به سمت عضو هیات‌مدیره در شرکت‌های سهامی انتخاب شده‌اند: درخصوص شرکت‌های سهامی نص صریح ماده ۱۱۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون

تجارت مصوب ۱۳۴۷ مربوط به شرکت‌های سهامی وجود دارد. در این ماده، نمایندگان اشخاص حقوقی شرکت نیز در کنار عضو هیأت مدیره که آن نماینده را انتخاب نموده است مسئولیت دارند. یعنی شخص حقوقی که به عنوان عضو هیأت مدیره در شخص حقوقی دیگر انتخاب شده است مسئول است. به عبارت دیگر، هر جا که طبق قانون، عضو هیأت مدیره از حیث مدنی مسئول خواهد بود نماینده این عضو هیأت مدیره نیز مسئول خواهد بود. با وجود چنین متن قانونی و با ملاحظه کلیه قوانین در کنار هم، در ظاهر به نظر می‌رسد که در شرکت‌های سهامی نمایندگان اعضاء هیأت مدیره، نیز در کنار اعضاء هیأت مدیره در قبال مالیات‌های معوقه مسئول می‌باشند و اداره دارائی می‌تواند به آن‌ها نیز مراجعه کند.

با توجه به این که طبق اصل پنجاه و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، وضع مالیات از یک طرف و احراز مدیون بودن مالیاتی اشخاص از طرف دیگر، نیاز به نص صریح قانونی دارد، لذا شاید با وجود چنین اصل قانون اساسی، بتوان تفسیر مناسب‌تری که با انصاف و عدالت بیشتری سازگار است به شرح ذیل ارائه داد. واقعیت این است که اشخاص حقیقی که به عنوان نماینده اشخاص حقوقی عضو هیأت مدیره منصوب می‌شوند کارمندان بسیار معمولی اشخاص حقوقی هستند که بنابر درخواست اشخاص حقوقی عضو هیأت مدیره به طور موقت و کوتاه‌مدت، در اشخاص حقوقی دیگر من جمله شرکت‌های تجاری دیگر به عنوان نماینده منصوب می‌شوند. در واقع نمایندگان اعضاء هیأت مدیره صرفاً بیان‌کننده تصمیمات و آراء و نظرات اعضاء هیأت مدیره هستند و لاغیر.

با لحاظ چنین مواردی قانون‌گذار تعمداً در زمان وضع ماده ۱۹۸ قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی ۱۳۹۴ از نمایندگان اعضاء هیأت مدیره اشخاص حقوقی به عنوان مسئول پرداخت مالیات ذکری به میان نیاورده است. به قول اصولیون با این که قانون‌گذار در مقام بیان بوده است لکن تعمداً با شناخت وضعیت واقعی نمایندگان اعضاء هیأت مدیره، آن‌ها را از مصادیق فردی متعهدین مالیاتی خارج کرده است. از طرف دیگر، قانون‌گذار تعمداً با عدم تصریح به ذکر نمایندگان در این قانون که تاریخ وضع آن مؤخر بر تاریخ وضع لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ است خواسته است که نمایندگان را از تعهدات مالیاتی معوقه خارج نماید. با توجه به این که وضع مالیات و پرداخت آن و شناخت مدیون مالیاتی نیاز به وضع قانون دارد و رعایت اصل عدم اشتغال ذمه و عدم مدیونیت، هر کجا که امر دائر بر مسئولیت یا عدم مسئولیت شخص یا اشخاص نسبت به پرداخت هرگونه دیون خواه دیون ناشی از قرارداد یا خارج از قرارداد یا تعهدات قانونی همچون مالیات به وجود باشد، بایستی اصل را بر عدم مدیونیت قرار داد. با لحاظ این مطالب مفاد ماده ۱۱۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ مربوط به شرکت‌های سهامی، مربوط به تعهدات و دیون غیرمالیاتی می‌گردد و ماده ۱۹۸ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶

به‌رغم این که در مقام بیان بوده با خارج نمودن عمدی نمایندگان اعضاء هیأت مدیره از دایره مسئولین پرداخت مالیات ماده ۱۱۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ را تخصیص زده است.

نتیجه

برابر قانون، شرکت‌ها شخصیتی مستقل از سهامداران و مالکین خود دارند بنابراین مسئول پرداخت بدهی‌های یک شرکت خود آن شرکت می‌باشد و در صورتی که اموال و سرمایه شرکت برای پرداخت بدهی‌ها و انجام تعهدات شرکت کفایت ننماید پس از انحلال شرکت، نوبت به مسئولیت شرکاء و سهامداران می‌رسد. این در حالی است که طبق ماده‌های ۱۴۲ و ۱۴۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، مدیران در برابر هرگونه تخلف از قانون، اساسنامه و مصوبات مجمع عمومی به صورت فردی یا گروهی مسئول می‌باشند اما نظر قانون‌گذار منحصرأ تخلف از قانون تجارت نیست و طبعاً قوانین و مقررات دیگری از جمله ماده ۱۵۴ قانون مالیات مستقیم مصوب ۱۳۶۶ در خصوص وصول مالیات‌های اشخاص ثالث را نیز شامل می‌شود. مدیرعامل و اعضاء هیأت مدیره اشخاص حقوقی از جمله شرکت‌های موضوع قانون تجارت، در ماده ۱۹۸ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ دارای مسئولیت‌ها و وظایف مالیاتی می‌باشند که در دوره تصدی آن‌ها قطعی شده باشد. در حال حاضر، مالیات به عنوان یکی از منابع درآمد دولت به شمار می‌آید که در قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ اشخاص حقوقی ایرانی را نسبت به کلیه درآمدهایی که تحصیل می‌نمایند مشمول پرداخت مالیات بر درآمد می‌داند.

با بررسی ماده‌های قانونی و حدود اختیارات مدیران برابر ماده‌های ۱۴۲ و ۱۴۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ اعضاء هیأت مدیره در برابر هرگونه قصور و سهل‌انگاری خود و دیگر اعضاء که منجر به ورود خسارت به شرکت شود، به صورت فردی و گروهی در مقابل سهامداران و اشخاص ثالث مسئول هستند و با عنایت به ماده‌های ۱۲۵ و ۱۲۸ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ مدیرعامل شرکت‌های سهامی را می‌توان در حدود اختیاراتی که در اساسنامه شرکت آمده و اختیاراتی که از سوی هیأت مدیره به او تفویض شده است از مدیران شرکت سهامی و مشمول ماده‌های ۱۹۸ و ۲۰۲ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ به شمار آورد. قانون‌های یاد شده ناظر به مسئولیت مدیران اشخاص حقوقی برای پرداخت مالیات شخص حقوقی هستند، پس در هر صورت می‌توان به این امر پی برد که مدیران اشخاص حقوقی در پرداخت مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده و سایر مالیات‌هایی که اشخاص حقوقی مکلف به کسر و وصول یا ایصال آن می‌باشند به صورت جمعی یا فردی همراه با شخص حقوقی مسئول هستند.

پیشنهادها

اساس تفسیری که سازمان امور مالیاتی از ماده ۱۹۸ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ ارائه داده مسئولیت شخصی مدیران در قبال مالیات شرکت شامل همه اعضای هیات مدیره اعم از مسئول یا غیرمسئول شده است و نداشتن حق امضای اسناد شرکت، مانع از مسئولیت شخصی عضو هیات مدیره نمی‌شود. بخشنامه جدید سازمان امور مالیاتی در چهارچوب ماده ۱۹۸ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶، ریسک حقوقی و مدیریتی قابل توجهی بر تک تک اعضای هیات مدیره شرکت‌ها در مورد پرداخت مالیات قطعی شرکت ایجاد می‌کند. بنابراین پیشنهاد می‌گردد همه اعضای هیات مدیره و نیز مدیرعامل شرکت بر موضوع پرداخت مالیات شرکت نظارت ویژه داشته باشند تا از عواقب مسئولیت‌های شخصی بعدی در امان باشند. همچنین مدیران شرکت‌ها پیش از درج امضای خود در قراردادها، حتماً درباره مسئولیت مالیاتی مدیران آشنایی کامل پیدا کنند. همچنین بهتر است مدیران، قبل از درج امضاء خود، امضاء تأییدیه هیات مدیره را درباره قرارداد منعقد اخذ کنند تا در زمان بروز مشکل برای آن‌ها مسئولیت شخصی ایجاد نگردد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- اسکینی، ربیعا، ۱۳۸۹، **حقوق شرکت‌های تجاری**، تهران، انتشارات سمت.
- پاسبان، محمدرضا، ۱۳۹۳، **حقوق شرکت‌های تجاری**، چاپ نهم، تهران، انتشارات سمت.
- دادگر، یداله، ۱۳۹۲، **اقتصاد بخش عمومی**، چاپ سوم، قم، انتشارات دانشگاه مفید.
- دمیرچیلی، محمد؛ حاتمی، علی؛ قرائی، محسن، ۱۴۰۲، **قانون تجارت درنظم حقوقی کنونی**، چاپ سی ام، تهران، انتشارات آوا.
- ستوده تهرانی، حسن، ۱۳۸۷، **حقوق تجارت**، تهران، انتشارات دادگستر.

Legal Civilization

No.17- Winter 2024

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

- An Investigation of the Necessity to Disclose the Existence of Contract in Third Party Funding in International Arbitration and Privilege
Mohammad Mahdi Asadi
- Aggravated Qualities of Crime in Iranian Criminal Law
Mohammad Kamali, Mohammadbagher Basir
- The Foundations of Natural Rights in John Locke and Its Impact on the Convention on the Rights of the Child
Mohamad Mahdi Davar, Saeideh Taslimi
- Decriminalization; an Attitude to Prevent the Persistence of Juvenile Delinquency
Mohammad Javanbakht, Parisa Karimej, Mohaddeseh Sadeghian Lamraski
- Examining the Concept of the Holder of a Commercial Document
Sara Farzadimehr, Shapoor Mohammadhosseini, Mohammadreza Haghighi
- The Effect of Islamic Lifestyle in the Prevention of White-Collar Crimes: Legal and Jurisprudential Analysis
Maryam Kamaei, Zahra Ansarifar, Petter Gottschalk
- Methods of Resolving Disputes in FIDIC Contracts
Arman Yaghobi Moghadam, Mohammad Gholampor Vishkaei, Mohammad Yararshadi
- Examining the Analyzing the Evolution of the Criminal Phenomenon of Genocide in the Historical Context
Mohammad Javanbakht, Minoo Mohammadei, Kiomars Kalantari daroonkela
- The Role of the Judge in the Execution of Criminal Sentences in Deterrence and Individualization of Punishment
Zahra Nazari
- Criticism and Assessment of Managers' Responsibility for the Company's Tax Liabilities Based on the Legal Bill to Amend a Part of the Commercial Law and the Direct Taxes Law
Nima Rezaei, Mohammad Shojaei Far, Amirhasan Abolhasani
- Tax Crimes with an Approach to Penology in Iranian Law
Sayyedeh Faezeh Fatemi
- Competent Authority and Demand Title in Land Nationalization Lawsuits
Moslem Alahyari
- Executive Challenges of Children and Adolescent Rights Protection Offices Centered on the Role of Judge
Sayyed Mehdi Ahmadi, Nastaran Arzainan
- Environmental Responsibility of Multinational Companies in the Oil Industry with Emphasis on the "Polluter Pays" Principle
Hadi Masoudifar, Fatemeh Naeimi Shamel
- The Impact of Restorative Justice and Criminal Policy on Sexual Victimization of Children (from Protection to Rehabilitation)
Sayyed Hossein Dehghan Naycri, Maryam Mosaferi
- The Right to Self-Determination as one of the Basic Human Rights Regarding Transgender People (with Emphasis on the Decree Issued by the 13th Branch of the Court of Appeal of Mazandaran Province)
Mohammad Saeid Hosseini, Heshmat Rostami Daroonkela, Mohammad Mehdi Saki, Fatemeh Dehghan, Abbas Rezaei Gilani4
- Protection of the Cultural Rights of Prisoners in International, Regional Instruments and Iranian Legal System
Marjan Negahi Mokhlesabadi
- Analysis of the Tax Law System Governing Commercial Companies
Parisa Rezvan, Ali Zare
- Human Dignity in Criminal Law and International Documents
Mohammad Amin Ebrahimi
- The Role of Government-Owned Property in Promoting Economic Goals: Analysis of Laws and Examination of Obstacles and Solutions
Elham Derki, Ayda Mokhtarch, Behnam Rastegari
- Subjectivity and Proof of Crime in the Islamic Penal Code Approved in 2012
Sadegh Banitarafian Havizavi
- The Differential Criminal Policy of the Armed Forces Law against the Sale of Military Property and Objects
Yasser Shakeri